

بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب

معصومه تقی‌بیگی* - کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه
حسین آگهی - دانشیار دانشکده کشاورزی، گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه
علی اصغر میرک‌زاده - استادیار دانشکده کشاورزی، گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۵/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

با توجه به افزایش سریع و گسترده جمعیت، از جمله جمعیت روستایی ایران، و ناتوانی بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی برای نیروی کار فزاینده روستایی، توسعه اشتغال غیرکشاورزی به‌ویژه برای گروه‌های کم‌زمین یا فاقد زمین، اهمیت بسزایی دارد. یکی از کسب‌وکارهایی که در سال‌های اخیر در خصوص زنان روستایی به آن توجه شده، مشاغل خانگی است. پژوهش کاربردی حاضر با هدف بررسی راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان روستایی و کارشناسان، با روش توصیفی-پیمایشی در سال ۱۳۹۰ انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۵۰۰ زن روستایی و ۵۰ کارشناس صاحب‌نظر در زمینه مشاغل خانگی بود و حجم نمونه براساس جدول مورگان ۳۷۵ نفر زن روستایی و ۵۰ نفر کارشناس تعیین گردید. روش نمونه‌گیری در جامعه زنان به‌صورت طبقه‌ای با انتساب متناسب، و در جامعه کارشناسان سرشماری بود. روایی پرسشنامه با بهره‌گیری از نظر متخصصان و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برای هریک از موانع توسعه مشاغل خانگی شامل خانوادگی، فردی، اقتصادی، دولتی و شخصیتی به‌ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۸، ۰/۷۶، ۰/۸۹، ۰/۸۷ محاسبه شد، که نشان‌دهنده مناسب بودن ابزار پژوهش است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نشان داد که مهم‌ترین موانع توسعه مشاغل خانگی از دید زنان به‌ترتیب موانع شخصیتی، فردی، اقتصادی، خانوادگی و دولتی است. از دید کارشناسان، مهم‌ترین این موانع به‌ترتیب موانع خانوادگی، فردی، شخصیتی، دولتی، و اقتصادی هستند. نتایج مطالعات همبستگی، ارتباط مثبت و معناداری را بین عضویت در تشکلهای، سطح تحصیلات زنان و توسعه مشاغل خانگی با احتمال خطای ۰/۰۱ نشان می‌دهند. بین سایر متغیرها از قبیل سن زنان، وضعیت تأهل، داشتن یا نداشتن الگوی نقش، موفقیت یا عدم موفقیت الگوی نقش، داشتن تجربه شخصی در زمینه مشاغل خانگی و توسعه کسب‌وکارهای خانگی رابطه معناداری وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: اشتغال، راهکارها، زنان روستایی، مشاغل خانگی، موانع.

مقدمه

امروزه بیکاری بیش از پیش به‌منزله مهم‌ترین نشانه توسعه ناکافی در کشورهای جهان سوم مشاهده می‌شود. در بسیاری از کشورها بیکاری آشکار^۱ در مناطق شهری دامن‌گیر بخش وسیعی از نیروی کار و به‌ویژه افراد ۱۵ تا ۲۴ سال است. بخش‌های وسیعی از نیروی کار در شهرها و روستاها گرفتار کم‌کاری (اشتغال ناقص)^۲ هستند، به این معنا که منابع و فرصت‌های لازم برای افزایش درآمدهای‌شان را ندارند و نمی‌توانند آن را به سطحی برسانند که با درآمد افراد دارای مشاغل شهری در بخش مدرن مقایسه‌شدنی باشد.

ساختار جمعیتی نیروی بیکار نشان می‌دهد که بیکاران بیشتر از سه گروه افراد فارغ‌التحصیل دانشگاهی، زنان سرپرست خانوار و جوانان بدون شغل هستند، که غالباً از اقشار آسیب‌پذیرند. زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و دوسوم از کارهای انجام‌شده در جهان به‌دست آنان صورت می‌گیرد، باین‌حال فقط یک‌دهم درآمد جهانی به آنها تعلق دارد. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ سهم اشتغال زنان ۱۱/۵۹ درصد بود. با وجود اهمیت جایگاه زنان روستایی در توسعه پایدار روستا، فقط ۱۵/۰۳ درصد شاغلان روستایی را تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). کارشناسان معتقدند توسعه بخش خصوصی می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه اشتغال در کشور و به‌خصوص در مناطق روستایی و درمورد زنان باشد و با فعال شدن این بخش، اقتصاد ملی می‌تواند گام‌های ارزشمندی در جهت توسعه اشتغال بردارد. براساس پژوهشی که سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی (۲۰۰۲ میلادی) با در نظر گرفتن ۳۷ کشور جهان انجام داده است، توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط منجر به کاهش معنادار نرخ بیکاری می‌شود و سهم کسب‌وکارهای کوچک در کاهش بیکاری به‌طور متوسط ۳۰ درصد است. از مشاغل کوچک و متوسط می‌توان به مشاغل خانگی اشاره کرد. هر نوع فعالیتی که در

1. Under employment
2. Openune employment

آن فرد به صورت تمام وقت یا پاره وقت کسب و کار مستقلی را در خانه اداره کند، در گروه مشاغل خانگی قرار می‌گیرد. مشاغل خانگی هزینه بالایی را به خانواده‌ها تحمیل نمی‌کنند و در عین حال می‌توانند سبب افزایش درآمد و در نهایت توسعه ثروت در کشور شوند و به ویژه راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال زنان روستایی به شمار می‌آیند. به گفته سپهری (۱۳۸۸) هم‌اکنون در ۱۵۰ کشور دنیا قانون مشاغل خانگی تنظیم شده است. کشورهای چین ۳۰ درصد، تایوان ۸۰ درصد و آمریکا تا ۲۰ درصد مشاغل‌شان را به کسب و کارهای خانگی اختصاص داده‌اند (نجاهی و قاسم‌پور، ۱۳۸۹، ۹۱). به گفته نجاهی و قاسم‌پور، مشاغل خانگی در ایران سابقه‌ای طولانی دارند و هم‌اکنون بسیاری از مشاغل آموزشی، صنایع دستی، بافندگی، حصیربافی، تولیدات دامی و شغل‌های فراوان دیگری در خانه‌ها و به خصوص به دست زنان روستایی انجام می‌گیرد. در کشورهای دیگر نیز نسبت تعداد زنان در نیروی کار افزایش یافته است و بسیاری از زنان به خوداشتغالی و کارآفرینی می‌پردازند، به طوری که زنان سه برابر مردان به خوداشتغالی روی آورده‌اند (چمبرز، ۱۳۷۶، ۳۶). در ایران زنان صنعتگر روستایی کمک زیادی به معاش خانواده‌ها می‌کنند، زیرا در بیشتر موارد درآمد همسر کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. گاه درآمد حاصل از تولیدات دامی و زراعی که به دست زنان روستایی انجام و تهیه می‌شود، از درآمد همسران‌شان بیشتر است. بنابراین باید به طور جدی به برنامه‌ریزی برای توسعه نیروی انسانی بخش کشاورزی، به ویژه زنان و دختران روستایی پرداخت و سرمایه‌گذاری فکری و مادی را در این زمینه متمرکز کرد. زنان روستایی نقش مهمی در اقتصاد کشاورزی دارند، اما بهره‌ناچیزشان از دانش و اطلاعات موجب شده است که نتوانند سود فعالیت‌های‌شان را افزایش دهند و از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌شان استفاده کنند.

این مسئله در استان کرمانشاه و شهرستان اسلام‌آباد غرب نمود آشکاری دارد. این شهرستان دارای ۸ دهستان، ۱۶۹ روستا و نزدیک به ۱۵۰۰۰ خانوار روستایی است اما متأسفانه با این جمعیت زیاد فقط ۳۲۵ نفر از زنان روستایی (۱/۳۸ درصد) به طور جدی در زمینه

مشاغل خانگی فعالیت دارند و اطلاعات‌شان در جهاد کشاورزی شهرستان اسلام‌آباد ثبت شده است. اکثر این زنان در سطح بسیار ابتدایی فعالیت می‌کنند و نتوانسته‌اند شغل‌شان را توسعه دهند. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی موانع و ارائه راهکارهای توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان روستایی و متخصصان است. برای این منظور از کارشناسان اداره کار و امور اجتماعی، مسئولان سازمان تعاون روستایی، کمیته امداد، مسئول صندوق اعتبارات خرد شهرستان، مسئول صنایع دستی و سازمان بهزیستی استان کرمانشاه و شهرستان اسلام‌آباد غرب بهره گرفته شده است. هدف از مقاله حاضر این است که بتوان با یافتن موانع اصلی‌ای که دو گروه درموردشان اتفاق نظر دارند و برطرف ساختن آنها، گامی مهم در جهت توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی برداشت. در ابتدا برخی از مفاهیم شرح و توضیح داده می‌شوند.

- مشاغل خانگی: کاری که به وسیله اعضای خانواده در محیط خانه صورت گیرد و مزاحمتی برای همسایگان ایجاد نشود. در محیط خانه فقط تولید کالا انجام می‌شود و عرضه، فروش و بازاریابی آن به خارج از محیط مسکونی انتقال می‌یابد (موالی‌زاده، ۱۳۸۹).
- مشاغل خانگی: هر نوع فعالیت اقتصادی در محل سکونت شخص که با استفاده از وسایل و امکانات منزل راه‌اندازی شود (رودگرزاد و کیاکجوری، ۱۳۸۹).
- کار: هر نوع شغلی که در برابر آن پاداش مادی دریافت شود (سفیری، ۱۳۷۷).
- واحدهای کسب‌وکار خانگی: خانه‌هایی که تمام یا قسمتی از فرایند تولید و تکمیل کالا در آن صورت گیرد، هر واحد کسب‌وکار خانگی به‌طور متوسط از ۴ نفر نیروی کار تشکیل می‌شود (نجاهی، قاسم‌پور، ۱۳۸۹).
- کسب‌وکار: در واژه‌نامه آکسفورد کسب‌وکار به معنی خرید، فروش و تجارت آمده است، ریشه کلمه کسب‌وکار در مشغول‌بودن و سرگرم‌بودن است و به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که تولید و خرید کالا و خدمات با هدف فروش آنها و به‌منظور کسب سود صورت می‌گیرد.

پیشینه مشاغل خانگی زنان

تحقیقات زیادی در خصوص عوامل مؤثر بر توسعه یا عدم توسعه مشاغل خانگی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

پیشگاهی فرد و ام‌البنی (۱۳۸۹) در مطالعه‌شان با عنوان «آینده‌پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران»، راهکارهای توسعه مشاغل خانگی را چنین برشمردند: ایجاد فرصت رشد و ارتقای شخصیت زنان برای برداشتن موانع اشتغال آنها، از میان بردن ابهامات و تصورات منفی درباره کار زنان، آگاه کردن زنان از توانایی‌های‌شان در فعالیت اقتصادی، بالابردن سطح آموزش زنان، عضویت در تعاونی‌ها، و برگزاری نمایشگاه‌های ملی، منطقه‌ای و محلی که علاوه بر بازاریابی و بازاریابی و بازاریابی تولیدات زنان روستایی و عشایری باعث ایجاد حس خودباوری و اعتماد در زنان می‌شود. از دید آنان مهم‌ترین موانع توسعه مشاغل خانگی شامل اینهاست: بالارفتن بهره بانکی که بازپرداخت وام و اعتبارات را برای زنان مشکل کرده است، نداشتن وثیقه هنگام دریافت وام بانکی، دسترسی نداشتن به اعتبارات به دلیل معضلات فرهنگی حاکم بر روستا، و آشنانیدن با قوانین مرتبط و پایین بودن سرمایه اولیه.

رودگر نژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹) در تحقیقی با نام «چالش‌ها و موانع توسعه کسب و کارهای خانگی»، مهم‌ترین راهکارهای توسعه این نوع کسب و کارها را چنین برشمردند: به کارگیری سیاست‌های تشویقی و حمایتی از صنایع کوچک به خصوص تولیدات خانگی، اتخاذ راهکارها و راهبردهای توسعه صادرات تولیدات خانگی، سیاست‌های حمایتی در بازاریابی، بازاریابی و تبلیغات در سطح جهانی، توسعه همه‌جانبه توانمندی‌های فنی و تکنولوژیکی از طریق برنامه‌های اجرایی در سطح کلان کشور، استفاده از شیوه‌های آموزشی جدید، تشویق و ترغیب کارآفرینان خانگی به استفاده از نوآوری و خلاقیت‌های تولید محصولات ویژه و منحصر به فرد، و تأمین نیازهای مالی و اعتباری از طریق تعدیل سیاست‌های مالی و پولی برای تأمین نیازهای مالی، محدودیت‌های بازرگانی، صادراتی و قوانین حقوقی.

ادواری (۱۳۸۹) در تحقیقی با نام «اهمیت و جایگاه ویژه اقتصادی و فرهنگی صنایع دستی

و نقش تشکلهای تعاونی در توسعه این صنعت «مهم‌ترین موانع گسترش مشاغل خانگی را چنین برمی‌شمرد: فقدان بخش غیردولتی نیرومند، پراکندگی مناطق تولیدی و دوری از بازار که موجب تحمیل هزینه‌های اضافی تولید می‌شود، ضعف بنیة مالی افراد که غالباً فقیر و عمدتاً روستایی هستند، بالابودن سود تسهیلات بانکی، و نبودن کارگاه‌های مدرن و مجهز. وی راهکارهای توسعه مشاغل خانگی را شامل اینها می‌داند: ارتقای کیفیت آموزشی، ساماندهی مشاغل در قالب تعاونی، تقویت افراد از طریق شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، کمک به توسعه بازار تولید و مصرف، توجه به بسته‌بندی جذاب و قیمت مناسب، و تبلیغات در رسانه‌های داخلی و خارجی.

گلرد (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با نام «خانواده و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان ایرانی»، عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مشاغل خانگی را خانواده و ساختارهای زندگی اجتماعی می‌داند، که بر دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی و عملکرد آنان مؤثرند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که نیازهای اقتصادی خانواده مهم‌ترین عامل ورود زنان به کسب‌وکارند و بعد از آن خانواده و حمایت‌های عاطفی آنها، فوت همسر، و متارکه قرار می‌گیرند. گلرد نشان داد که تأمین مالی از طریق بانک‌ها معمول‌ترین روش خوداشتغالی است، اما مشکلاتی که زنان در گرفتن وام با آن مواجه‌اند باعث می‌شود که با استفاده از پس‌اندازهای شخصی و قرض از اعضای خانواده منابع مالی کسب‌وکارشان را فراهم کنند.

سیدامیری (۱۳۸۷) در رساله‌اش با نام «بررسی و تعیین عوامل مؤثر بر رشد و توسعه کسب‌وکارهای خانوادگی در استان تهران»، متغیرهای مؤثر بر رشد مشاغل خانگی را در سه دسته عوامل خانوادگی، محیطی و فردی تقسیم‌بندی کرده است. عوامل فردی بیشتر شامل اینهاست: ریسک‌پذیری مالک؛ درک مالک از مخاطره؛ و مهارت‌های مدیریتی شامل توان تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی، مهارت در امور فنی، افزایش میزان فروش، کیفیت محصول، و بهبود ظاهر محصول. متغیرهای مربوط به عوامل خانوادگی این موارد را دربرمی‌گیرد: همکاری و تمایل اعضای خانواده به کسب‌وکار، تأثیر روابط خانواده و اهداف خانواده بر کسب‌وکار، و داشتن

چشم‌انداز کاری. متغیرهای محیطی نیز بیشتر با محیط بیرونی ارتباط می‌یابند مانند: محیط اجتماعی، وجود دیدگاه‌های مناسب به راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل، تعهد به کار و مسئولیت‌پذیری، اعطای مجوزها، و تسهیلات مالی و دولتی.

براساس مطالعات مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی و جمع‌بندی نظر نویسندگان و پژوهشگران، تعداد زیادی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه مشاغل خانگی شناسایی شد. برخی از آنها به دلیل هم‌پوشانی با یکدیگر ادغام شدند. با توجه به مجموع نظرها، عوامل پیش‌برنده (راهکارها) و بازدارنده (موانع) توسعه مشاغل خانگی در قالب چارچوب مفهومی در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. چارچوب مفهومی

روش پژوهش

رویکرد کلی پژوهش حاضر کمی و ماهیت و هدف آن کاربردی است، و از نظر گردآوری داده‌ها نیز توصیفی-پیمایشی است. در بخش کمی از شیوه‌های پیمایش و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را دو گروه زنان روستایی (۱۵۰۰۰ نفر)^۱ و متخصصان (۵۰ نفر) شهرستان اسلام‌آباد تشکیل می‌دهند. زنان روستایی پژوهش حاضر شامل دو گروه‌اند: افرادی که شغل خانگی دارند و افرادی که تاکنون به سمت این نوع کسب‌وکارها نرفته‌اند. کارشناسان نیز از اداره کار و امور اجتماعی، اداره کل تعاون، صندوق

۱. تعداد خانوارهای روستایی این شهرستان ۱۵۰۰۰ خانوار است و به دلیل در دسترس نبودن آمار دقیق، هر خانوار

اعتبارات خرد زنان، کمیته امداد، بهزیستی، صنایع‌دستی شهرستان، مسئول ترویج شهرستان انتخاب شده‌اند. در هریک از این سازمان‌ها افراد متخصصی که با موضوع زنان روستایی و مشاغل خانگی مرتبط‌اند، مشخص شدند و به‌دلیل محدودبودن آنها از سرشماری استفاده شد. در مورد زنان روستایی، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای با انتساب متناسب (متناسب با حجم) استفاده گردید. حجم نمونه براساس جدول تاکمن و مورگان، ۳۷۵ نفر برآورد شد و حجم در طبقه از طریق انتساب متناسب به‌دست آمد (پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۳۰۰ پرسشنامه بدون ایراد و به‌طورکامل وارد تجزیه و تحلیل شد. جامعه دوم نیز به‌صورت سرشماری بررسی و مطالعه شد. روایی فنی و ظاهری پرسشنامه طبق نظر استادان و کارشناسان دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی و متخصصان تأیید گردید. برای به‌دست‌آوردن پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. در پیش‌آزمون صورت‌گرفته (برای ۳۰ پرسشنامه تکمیل‌شده) با استفاده از نرم‌افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ برای هر عامل بالاتر از ۰/۷ بود که نشان‌دهنده اعتبار پرسشنامه برای اجرای تحقیق بود.

هدف کلی پژوهش

بررسی موانع و ارائه راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی از دید زنان روستایی و کارشناسان شهرستان اسلام‌آباد غرب، مهم‌ترین هدف پژوهش پیش‌روست. فرضیه‌های تحقیق بدین شرح‌اند:

۱. بین عوامل فردی، اقتصادی، شخصیتی، دولتی، خانوادگی و ایجاد مشاغل خانگی به‌دست زنان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. پرداختن به مشاغل خانگی بین زنان مجرد، متأهل و سرپرست خانوار تفاوت معناداری با هم دارد.
۳. پرداختن به مشاغل خانگی بین زنانی که دارای تجربه در زمینه مشاغل خانگی هستند و کسانی که فاقد تجربه هستند، تفاوت معناداری با هم دارد.

۴. پرداختن به مشاغل خانگی بین زنانی که دارای الگوی نقش هستند و کسانی که فاقد الگوی نقش‌اند، تفاوت معناداری باهم دارد.
۵. ایجاد مشاغل خانگی به دست زنان با موفقیت یا عدم موفقیت الگوی نقش تفاوت معناداری دارد.
۶. پرداختن به مشاغل خانگی بین زنانی که عضو تشکلهای مختلف‌اند و کسانی که عضو تشکلهای نیستند تفاوت معناداری باهم دارد.
۷. پرداختن به مشاغل خانگی بین زنان با سطح تحصیلات مختلف تفاوت معناداری باهم دارد.

ویژگی فردی زنان روستایی

براساس نتایج پژوهش حاضر، بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، و کمترین مربوط به گروه سنی ۶۰ سال به بالا بود. از لحاظ وضعیت تأهل بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به زنان متأهل بود. از مجموع ۳۰۰ نفر پاسخگو، ۳۹ نفر بی‌سواد بودند، ۵۵ نفر مدرک سیکل، ۵۰ نفر مدرک دبیرستان و ۸۹ نفر مدرک دیپلم و بالاتر داشتند و بقیه نیز به این سؤال پاسخ ندادند. توزیع فراوانی میزان عضویت پاسخگویان در تشکلهای مختلف بیانگر آن است که از کل پاسخگویان حدود ۱۴/۳ درصد عضو تعاونی‌ها، ۱۱ درصد عضو صندوق اعتبارات و فقط ۵ درصد عضو شوراها بودند. میزان عضویت در تعاونی و صندوق جمعاً ۲/۷ درصد است. از ۳۰۰ پاسخ‌دهنده ۶۲/۳ درصد عضو هیچ‌کدام از تشکلهای نبودند. از کل ۳۰۰ نفر پاسخگو، فقط ۸۴ نفر (۲۸/۳ درصد) دارای الگوی نقش در زمینه شغل خانگی بودند، که از این تعداد ۶۰ نفر (۷۱ درصد) در زمینه شغلی‌شان موفق بودند و ۲۴ نفر (۲۹ درصد) موفق نبودند. اطلاعات مربوط به تجربه شخصی در زمینه مشاغل خانگی نشان می‌دهد که از ۳۰۰ پاسخگوی زن بررسی‌شده، ۲۰۴ نفر (۶۸ درصد) فاقد تجربه شخصی در شغل خانگی بودند و تاکنون در هیچ‌یک از مشاغل خانگی فعالیت نداشتند، ۶۸ نفر (۲۲/۷ درصد) دارای

تجربه در زمینه مشاغل خانگی بودند و ۲۸ نفر (۳ درصد) به این سؤال پاسخ ندادند. بررسی مشخصات فردی کارشناسان نشان می‌دهد که ۱/۹ درصد (۱ نفر) دیپلم، ۶۵/۴ درصد (۳۴ نفر) لیسانس و ۲۳/۱ درصد (۱۲ نفر) در مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. از لحاظ سابقه خدمت نیز ۶۷/۳ درصد پاسخگویان بیش از ۱۰ سال سابقه خدمت و ۱۵/۴ درصد زیر ۵ سال سابقه خدمت در سازمان داشتند. در سؤال مربوط به بررسی میزان تجربه اعضای خانواده در زمینه مشاغل خانگی، مشخص شد که از کل خانوارهای بررسی شده در حدود ۶۸/۷ درصد خانواده‌ها، هیچ‌یک از اعضای خانواده در زمینه مشاغل خانگی تجربه‌ای نداشتند و فقط در ۲۸/۳ درصد خانواده‌ها اشخاصی باتجربه در زمینه مشاغل خانگی وجود داشت. توزیع فراوانی اطلاعات مربوط به موفقیت الگوی نقش نشان می‌دهد که از ۸۵ خانوار (۲۸/۳ درصد) دارای الگوی نقش، ۶۰ نفر (۷۱ درصد) در زمینه شغلی‌شان موفق بودند و ۲۵ نفر (۲۹ درصد) در کارشان موفق نبودند. در سؤالی دیگر از زنان روستایی پرسیده شد که آیا در زمان حاضر شغل خانگی دارند، که پاسخ آن نشان می‌دهد ۶۹ درصد افراد (۲۰۷ نفر) فاقد شغل خانگی و ۱۵ درصد (۴۵ نفر) دارای شغل خانگی بودند، ۴۸ نفر (۱۶ درصد) نیز به این سؤال پاسخ ندادند.

مقایسه موانع توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان و کارشناسان

در این بخش کوشش شده است به اولویت‌بندی موانع توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان و صاحب‌نظران مشاغل خانگی و مقایسه دیدگاه این دو با یکدیگر پرداخته شود. سنجش هر عامل با استفاده از گویه‌هایی در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت انجام شد. موارد این طیف شامل هیچ، بسیار کم، کم، زیاد و بسیار زیاد بود. برای اولویت‌بندی این موارد از ضریب تغییرات استفاده شد، که بیانگر تقدم و تأخر آنها از نظر اولویت‌بندی است. هر عاملی که ضریب تغییرات کمتری دارد، اولویتش بالاتر است (جدول ۱).

جدول ۱. دیدگاه زنان و کارشناسان در خصوص اولویت‌بندی موانع توسعه مشاغل خانگی

اولویت موانع از دید زنان	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت موانع از دید کارشناسان	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
عوامل شخصی	۴۷/۱۳۱	۶/۳۳۳	۰/۱۳	عوامل خانوادگی	۳۹/۶۷	۲/۸۸۳	۰/۰۷
عوامل فردی	۴۲/۳۲۹	۵/۹۴۱	۰/۱۴	عوامل فردی	۳۹/۶۷	۲/۸۸۳	۰/۰۷
عوامل اقتصادی	۱۹/۴۱۸	۳/۳۷۹	۰/۱۷	عوامل شخصی	۴۶/۱۳	۴/۸۱۵	۰/۱۰
عوامل خانوادگی	۴۵/۱۳۸	۱۰/۳۳۷	۰/۲۲	عوامل دولتی	۴۰/۰۴	۴/۶۶۴	۰/۱۱
عوامل دولتی	۳۵/۱۳۱	۸/۲۲۰	۰/۲۲	عوامل اقتصادی	۱۶/۹۰	۲/۱۶۳	۰/۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق

به‌منظور سنجش هر یک از عوامل از گویه‌هایی استفاده شد. برای به‌دست‌آوردن و استخراج این گویه‌ها، نتایج پژوهش‌های دیگر بررسی شدند و با تعدادی از زنان روستایی که جزء جامعه بودند اما در نمونه وارد نشدند، مصاحبه شد. در جدول‌های ۲ و ۳ و ۴ گویه‌های مربوط به این عوامل ارائه شده است.

جدول ۲. گویه‌های مربوط به عوامل شخصی و اقتصادی

گویه‌های مربوط به عوامل شخصی	گویه‌های مربوط به عوامل اقتصادی
عدم‌ایستادگی و مقاومت در مواجهه با مشکلات	نارضایتی از درآمد پدر یا همسر
نبود خلاقیت و نوآوری	نبود سرمایه
نداشتن صلاحیت و شایستگی	دسترسی‌نداشتن به اعتبارات و وام
عدم‌اطلاع از نقاط قوت و ضعف	بی‌اعتقادی به تأثیر شغل خانگی در ارتقای سطح درآمد
نبود قدرت چانه‌زنی	دسترسی‌نداشتن به مواد اولیه و دشواری تهیه آنها
نداشتن اعتمادبه‌نفس و پشتکار	پرهزینه‌بودن وسایل و تجهیزات

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۳. گویه‌های مربوط به عوامل خانوادگی و فردی

گویه‌های مربوط به عوامل خانوادگی	گویه‌های مربوط به عوامل فردی
نبود تقسیم‌کار و همکاری اعضای خانواده	نداشتن برنامه‌ریزی
عدم تشویق و ترغیب اعضای خانواده	عدم تلاش و پشتکار زنان
وجود تعداد زیادی فرزند	نداشتن تخصص، مهارت و تجربه
ایجاد اختلال در آرامش خانواده	روابط اجتماعی و عمومی پایین زنان
کارها و مسئولیت‌های خانه	نداشتن اوقات بیکاری
نارضایتی از زندگی	شکست قبلی فرد در شغل خانگی (تجربه ناموفق)
ممانعت خانواده و همسر	

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۴. گویه‌های مربوط به عوامل دولتی

گویه‌های مربوط به عوامل دولتی
نبود بازار
برگزارنشدن کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی از سوی سازمان‌ها
دسترسی نداشتن به مراکز اطلاعاتی
برخوردار نبودن از بیمه
نبود زمینه گردشگری و توریسم
نبود نمایشگاه‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، اولویت موانع توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان و کارشناسان متفاوت است. از نظر زنان مهم‌ترین این موانع شامل عوامل شخصیتی، فردی، فرهنگی و اقتصادی است. اما از نظر کارشناسان، اولویت‌های اصلی شامل عوامل خانوادگی، فردی، فرهنگی و شخصیتی است.

اولویت‌بندی گویه‌های هریک از موانع توسعه‌ی مشاغل خانگی از دید زنان روستایی
 از دید زنان روستایی مهم‌ترین موانع توسعه‌ی مشاغل خانگی شامل موانع شخصیتی، فردی و اقتصادی است. در این بخش به اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به هریک از این عوامل پرداخته می‌شود.

گویه‌های مربوط به موانع شخصیتی

برای سنجش موانع شخصیتی، از ۶ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شد، به‌منظور اولویت‌بندی آنها ضریب تغییرات به‌کار گرفته شد (ضریب تغییرات کمتر، اولویت اول). همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، از دید زنان مهم‌ترین این گویه‌ها شامل نبود قدرت چانه‌زنی، نداشتن اعتمادبه‌نفس و پشتکار و عدم ایستادگی و مقاومت در مواجهه با مشکلات است.

جدول ۵. اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل شخصیتی از دید زنان

گویه‌های عوامل شخصیتی	میانگین	انحراف‌معیار	ضریب تغییرات
نبود قدرت چانه‌زنی	۳/۸۵	۰/۹۳	۰/۲۴۱
نداشتن اعتمادبه‌نفس و پشتکار	۳/۷۰	۰/۹۴۹	۰/۲۵۶
عدم ایستادگی و مقاومت در مواجهه با مشکلات	۲/۸۴	۰/۹۹۱	۰/۲۵۸
نبود خلاقیت و نوآوری	۳/۶۷	۰/۹۷۲	۰/۲۶۴
نداشتن صلاحیت و شایستگی	۳/۵۸	۰/۹۸۶	۰/۲۷۵
بی‌اطلاعی از نقاط قوت و ضعف	۳/۵۲	۰/۹۷۵	۰/۲۷۶

گویه‌های مربوط به موانع فردی

اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به موانع فردی از دید زنان در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل فردی از دید زنان

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌های عوامل فردی
۰/۲۲	۰/۹۲۰	۴/۰۱	نداشتن مهارت، تخصص و تجربه
۰/۳۴۱	۰/۹۰۲	۳/۷۳	نداشتن برنامه‌ریزی
۰/۲۵	۱/۰۰۷	۳/۹۹	تلاش نکردن زنان
۰/۲۸	۰/۹۰۲	۳/۴۷	نداشتن اوقات بیکاری
۰/۳۳	۳/۲۹	۱/۰۹۰	روابط اجتماعی پایین زنان
۰/۴۰	۳/۰۵	۱/۲۲۷	تجربه ناموفق در زمینه شغل خانگی

گویه‌های مربوط به موانع اقتصادی

به‌منظور بررسی موانع اقتصادی از ۶ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شد که اولویت‌بندی آنها در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل اقتصادی از دید زنان

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌های عوامل اقتصادی
۰/۲۸	۱/۰۲	۳/۵۷	اعتقاد نداشتن به تأثیر شغل خانگی در ارتقای سطح درآمد
۰/۳۷	۱/۱۹۹	۳/۱۹	نارضایتی از درآمد پدر یا همسر
۰/۴۵	۰/۹۷۵	۲/۱۶	نبود سرمایه
۰/۴۸	۱/۳۳۵	۲/۷۶	دسترسی نداشتن به اعتبارات و وام
۰/۵۴	۱/۲۸۲	۲/۳۶	پرهزینه بودن وسایل و تجهیزات
۰/۵۵	۱/۳۸۴	۲/۴۹	دسترسی نداشتن به مواد اولیه و دشواری تهیه آنها

اولویت‌بندی گویه‌های هریک از موانع توسعه مشاغل خانگی از دید کارشناسان
 از دید کارشناسان مهم‌ترین موانع توسعه مشاغل خانگی به ترتیب شامل موانع خانوادگی، فردی و شخصیتی است، که اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به هریک از آنها در ادامه آمده است.

اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل خانوادگی
 به‌منظور سنجش عوامل خانوادگی از ۸ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شد، که اولویت‌بندی آنها از دید کارشناسان در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل خانوادگی از دید کارشناسان

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌های عوامل خانوادگی
۰/۱۶۹	۰/۶۲۰	۳/۳۳	عدم تقسیم‌کار و همکاری اعضای خانواده
۰/۱۷۰	۰/۶۴۵	۳/۱۷	عدم تشویق و ترغیب اعضای خانواده
۰/۱۸۲	۰/۷۰۰	۴/۱۴	وجود تعداد زیادی فرزند
۰/۲۸	۰/۹۰۵	۳/۲۳	ایجاد اختلال در آرامش خانواده
۰/۳۶	۱/۰۳۰	۲/۸۶	کارها و مسئولیت‌های خانه
۰/۳۷۹	۱/۰۵۵	۲/۷۸	نارضایتی از زندگی
۰/۴۸۰	۱/۶۴	۲/۶۳	ممانعت خانواده و همسر
۰/۴۹۱	۱/۷۱	۲/۴۴	تأثیر در آفت تحصیلی فرزندان

اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل فردی
 مهم‌ترین گویه‌های مربوط به عوامل فردی از دید کارشناسان در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹. اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل فردی از دید کارشناسان

ضرب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌های عوامل فردی
۰/۱۴۲	۰/۵۷۱	۴/۰۲	نداشتن مهارت، تخصص و تجربه
۰/۱۲۹	۰/۵۸۲	۴/۵۱	نداشتن روابط اجتماعی و عمومی بالا
۰/۱۳۶	۰/۵۹۱	۴/۳۳	نداشتن اوقات بیکاری
۰/۱۵۶	۰/۶۵۰	۴/۱۶	عدم تلاش و پشتکار زنان
۰/۲۳۰	۰/۸۶۱	۳/۷۳	نداشتن برنامه‌ریزی در زندگی
۰/۲۸۰	۱/۱۰۱	۳/۶۰	تجربه ناموفق در زمینه شغل خانگی

اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل شخصیتی

به‌منظور بررسی گویه‌های مربوط به عوامل شخصیتی از دید کارشناسان از ۶ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شد که اولویت‌بندی این گویه‌ها در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰. اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل شخصیتی از دید کارشناسان

ضرب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌های عوامل شخصیتی
۰/۱۰۹	۰/۴۷۱	۴/۳۳	نبود خلاقیت و نوآوری در زنان
۰/۱۲۸	۰/۵۸۰	۴/۵۰	نداشتن اعتماد به نفس
۰/۱۳۰	۰/۵۴۹	۴/۲۱	عدم ایستادگی و مقاومت در مواجهه با مشکلات
۰/۱۵۶	۰/۶۰۱	۴/۱۷	نبود قدرت چانه‌زنی
۰/۲۲۶	۰/۸۶۸	۳/۸۳	بی‌اطلاعی از نقاط قوت و ضعف
۰/۲۳۲	۰/۸۸۳	۳/۷۹	نداشتن صلاحیت و شایستگی

مقایسه دیدگاه زنان دارای مشاغل خانگی و فاقد آن در خصوص موانع توسعه این کسب‌وکار به‌منظور بررسی دیدگاه زنان دارای شغل خانگی و افرادی که فاقد شغل خانگی هستند از آزمون من‌ویتنی استفاده گردید (جدول ۱۱). همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، فقط در مورد

عوامل فردی تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ بین دیدگاه دو گروه زنان درخصوص موانع توسعه مشاغل خانگی وجود دارد. زنان دارای شغل خانگی درمقایسه با زنان فاقد شغل خانگی، عوامل فردی را مهم‌ترین مانع در راه توسعه این نوع کسب‌وکارها برمی‌شمارند. در مورد سایر عوامل بین دیدگاه دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. با مقایسه میانگین رتبه‌ها می‌توان اظهار داشت که عوامل اقتصادی، خانوادگی و شخصیتی نزد زنانی که دارای شغل خانگی بودند، مهم‌ترین موانع و عوامل دولتی از دید زنان فاقد شغل خانگی، مهم‌ترین مانع توسعه مشاغل خانگی است.

جدول ۱۱. مقایسه دیدگاه زنان دارای شغل خانگی و زنان فاقد آن درخصوص موانع توسعه این نوع کسب‌وکارها

عوامل	آیا اکنون دارای شغل خانگی هستی (تعداد افراد)	میانگین رتبه‌ها	مقدار آزمون	سطح معناداری (sig)
فردی	خیر ۱۹۶	۱۱۶/۸۸	۲۲۹۰۷/۵۰	* ۰/۰۷۸
	بلی ۴۴	۱۳۶/۶۵	۶۰۱۲/۵۰	
اقتصادی	خیر ۱۸۶	۱۱۲/۱۷	۲۰۸۶۴/۵۰	۰/۶۷۶
	بلی ۳۹	۱۱۶/۹۴	۴۵۶۰/۵۰	
خانوادگی	خیر ۱۹۳	۱۱۷/۷۶	۲۲۷۲۸/۰۰	۰/۹۰۸
	بلی ۴۲	۱۱۹/۱۰	۵۰۰۲/۰۰	
دولتی	خیر ۱۸۴	۱۱۴/۵۳	۲۱۰۷۴/۰۰	۰/۳۰۲
	بلی ۳۹	۱۰۰/۰۵	۳۹۰۲/۰۰	
شخصیتی	خیر ۱۹۷	۱۱۶/۷۷	۲۳۰۰۴/۰۰	۰/۱۷۸
	بلی ۴۱	۱۳۲/۶۱	۵۴۳۷/۰۰	

برای پی‌بردن به میزان ارتباط از شاخص‌های همبستگی استفاده شد. این شاخص‌ها با توجه به مقیاس (جنس) اندازه‌گیری متغیرها انتخاب شدند. برای تعیین میزان همبستگی، ضریب همبستگی «اسپیرمن» به کار گرفته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های همبستگی در جدول ۱۲ ارائه شده است. نتایج بررسی هر ۵ فرضیه (رابطه بین عوامل خانوادگی، فردی،

اقتصادی، شخصیتی، مدیریتی، و تمایل زنان به ایجاد مشاغل خانگی) با استفاده از آزمون اسپیرمن نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین هریک از عوامل و تمایل به مشاغل خانگی با احتمال خطای ۰/۰۱ وجود دارد، که نشان می‌دهد که بین عوامل خانوادگی، فردی، اقتصادی، شخصیتی، و دولتی و پرداختن زنان به مشاغل خانگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲. نتایج تحلیل همبستگی بین متغیرهای مطالعه‌شده با متغیر توسعه مشاغل خانگی زنان

عوامل	نوع ضریب همبستگی	مقدار ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری
خانوادگی	اسپیرمن	۰/۲۳	۰/۰۰۰**
فردی	اسپیرمن	۰/۱۶	۰/۰۰۵*
اقتصادی	اسپیرمن	۰/۱۶	۰/۰۰۶*
اجتماعی	اسپیرمن	۰/۱۸	۰/۰۰۲*
فرهنگی	اسپیرمن	۰/۱۸	۰/۰۰۳*
محیطی	اسپیرمن	۰/۱۶	۰/۰۰۶*
شخصیتی	اسپیرمن	۰/۳۴	۰/۰۰۰**
دولتی	اسپیرمن	۰/۲۱	۰/۰۰۰**

منبع: یافته‌های تحقیق

به‌منظور بررسی سطح تحصیلات زنان، وضعیت تأهل، عضویت در تشکل‌ها، و توسعه مشاغل خانگی از آزمون کروسکال والیس استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۱۳ آمده است. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، نتایج آزمون کروسکال والیس در مورد متغیرها تفاوت معناداری بین وضعیت تأهل و توسعه مشاغل خانگی قائل ندارند، در نتیجه فرض صفر رد و فرض یک تأیید می‌شود. اما با مقایسه میانگین هریک از سطوح متغیرها مثلاً وضعیت تأهل و توسعه مشاغل خانگی- مشاهده می‌شود که ابتدا زنان متأهل و سپس زنان سرپرست خانوار بیشتر به سمت مشاغل خانگی می‌روند و در آخر زنان مجرد. با مقایسه سطح تحصیلات زنان و توسعه مشاغل خانگی تفاوت معناداری بین هریک از سطوح تحصیلی و توسعه مشاغل خانگی مشاهده گردید؛ بدین معنی که هرچه سطح تحصیلات زنان بالاتر می‌رود توسعه مشاغل خانگی

نیز بیشتر می‌شود و تمایل زنان به مشاغل خانگی افزایش می‌یابد. اما در مورد زنانی با سطح سواد دیپلم و بالاتر این قانون به هم می‌خورد و تمایل زنان با این سطح سواد به مشاغل خانگی کم می‌شود - این فرض با احتمال خطای ۰/۹۵ تأیید گردید. با مشاهده جدول ۱۳ می‌توان تفاوت معناداری را (با احتمال ۹۹ درصد و خطای ۰/۰۱) بین عضویت در تشکلهای مختلف و توسعه مشاغل خانگی مشاهده کرد. بدین معنا که زنانی که عضو تشکلهای بودند بیشتر به سمت مشاغل خانگی رفتند و در این مورد فرض صفر رد و فرض یک تأیید می‌شود. با مقایسه میانگین‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که زنانی که عضو هردو تشکل تعاونی و شورا بودند، در مقایسه با افرادی که عضو سایر تشکلهای بودند، بیشتر به سمت مشاغل خانگی رفتند، در رتبه دوم زنانی که عضو تعاونی بودند، در مرتبه بعدی زنانی که عضو صندوق اعتبارات بودند، در رتبه چهارم کسانی که عضو هیچ کدام از تشکلهای نبودند، و در آخر نیز افراد عضو شوراها قرار دارند.

جدول ۱۳. مقایسه برخی متغیرهای مستقل و توسعه مشاغل خانگی

سطح	متغیر مستقل	میانگین رتبه‌ها	سطح معناداری	مقدار آزمون آماری کروسکال والیس
وضعیت تأهل	۱. مجرد ۲. متأهل ۳. سرپرست خانوار	۱۴۰/۹۵ ۱۵۰/۱۶ ۱۴۹/۴۰	۰/۴۲۸	۳/۸۴۱
سطح تحصیلات	۱. بی سواد ۲. ابتدایی ۳. راهنمایی ۴. دبیرستان ۵. دیپلم و بالاتر	۱۳۲/۰۷ ۱۴۰/۶۰ ۱۶۷/۶۳ ۱۴۱/۸۹ ۱۳۳/۶۷	۰/۶۳۹	۰/۰۲*
عضویت در تشکلهای	۱. تعاونی ۲. شورا ۳. صندوق اعتبارات ۴. هیچ کدام ۵. ۱ و ۲	۱۴۴۶/۹۲ ۱۳۴/۱۲ ۱۵۰/۹۷ ۱۳۴/۴۱ ۱۷۸/۸۸	۲۷/۳۸۸	۰/۰۰۰**

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از جدول ۱۴ پیداست نتایج آزمون من‌ویتنی در خصوص داشتن یا نداشتن الگوی نقش (عضوی از خانواده یا آشنایان که در زمینه مشاغل خانگی دارای تجربه است و بتوان در این زمینه از او الگوبرداری کرد)، موفقیت یا عدم موفقیت الگوی نقش و داشتن تجربه شخصی در زمینه مشاغل خانگی با توسعه این نوع کسب‌وکار رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. بنابراین نمی‌توان گفت افرادی که دارای الگوی نقش در زمینه مشاغل خانگی بودند یا الگوی نقش آنها موفق بوده است، بیشتر به سمت این نوع کسب‌وکارها رفته‌اند. عدم ارتباط می‌تواند به این دلیل باشد که افراد الگوی نقش‌شان را درست انتخاب نکرده‌اند، یا عواملی نظیر عوامل اقتصادی مانع شده است. داشتن تجربه شخصی در زمینه مشاغل خانگی نیز سبب نشده است که افراد بیشتر به سمت این نوع کسب‌وکارها بروند، و در این زمینه رابطه‌ای مشاهده نشد.

جدول ۱۴. نتایج آزمون من‌ویتنی در مورد مقایسه بین متغیرهای مستقل و توسعه مشاغل خانگی

متغیر مستقل	سطح	میانگین رتبه‌ها	سطح معناداری	مقدار آزمون آماری من‌ویتنی
داشتن الگوی نقش	بلی خیر	۱۴۸ ۱۴۰/۹۵	۰/۱۳۱	-۰/۶۹۷
موفقیت الگوی نقش	بلی خیر	۵۲/۱۶ ۴۷/۰۷	۰/۱۳۷	-۰/۹۲۳
داشتن تجربه در زمینه مشاغل خانگی	بلی خیر	۱۲۸/۹۹ ۱۳۵/۷۱	۰/۵۱۲	-۰/۶۵۶

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

در بخشی از این پژوهش به اولویت‌بندی موانع توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان و متخصصان پرداخته شد و برای محاسبه از ضریب تغییرات استفاده گردید. عواملی که در مقایسه با سایرین در اولویت قرار می‌گیرند، موانع اصلی توسعه مشاغل خانگی به‌شمار می‌آیند. از دید

زنان مهم‌ترین این عوامل شامل عوامل شخصیتی، فردی، و اقتصادی هستند. اما دیدگاه متخصصان در خصوص موانع اندکی متفاوت است و آنها مهم‌ترین موانع توسعه مشاغل خانگی را خانوادگی، فردی، و شخصیتی برشمرده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود زنان و متخصصان در اولویت‌بندی موانع توسعه مشاغل خانگی با یکدیگر تفاوت دارند، و در این زمینه شاید بتوان نظر زنان را تأیید کرد زیرا خود فرد و ویژگی‌های شخصیتی اوست که بیش از هر چیز تضمین‌کننده موفقیت و باعث جنبش حرکت وی به جلو می‌گردد. زنان در مقایسه با متخصصان عوامل اقتصادی را مهم‌تر می‌دانند، زیرا متخصصان عوامل اقتصادی را در اولویت ۴ و کم‌اهمیت‌تر دانسته‌اند. در این مورد نیز می‌توان نظر زنان را تأیید کرد، زیرا فقیربودن اکثر خانوارهای روستایی و ناتوانی در تأمین مواد و وسایل اولیه مانع به حساب می‌آید.

از نظر زنان نخستین مانع توسعه مشاغل خانگی عوامل شخصیتی و مهم‌ترین گویه آن، نبود قدرت چانه‌زنی است. می‌توان گفت نبود قدرت چانه‌زنی در عدم موفقیت زنان مانع مهمی به‌شمار می‌آید، چراکه باعث می‌شود زنان در بسیاری از صحنه‌های رقابت کنار زده شوند و نتوانند حق‌شان را بگیرند. زنان روستایی گاه حتی به‌ناچار محصول نهایی‌شان را به قیمتی کمتر از هزینه تمام‌شده می‌فروشند و این امر باعث می‌شود که تمایل‌شان برای ادامه فعالیت کاهش یابد و دلسرد شوند. در این زمینه نتایج تحقیقات براون (۱۹۹۴) نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند. از دید زنان نداشتن اعتمادبه‌نفس مانع مهمی در راه توسعه مشاغل خانگی است. به‌یقین می‌توان گفت نداشتن اعتمادبه‌نفس و پشتکار در موفقیت و شروع کسب‌وکار و حتی توسعه آن اهمیت بسیاری دارد و با داشتن اعتمادبه‌نفس می‌توان در زمینه‌های گوناگون به موفقیت‌هایی دست یافت. نتایج تحقیقات لهسای‌زاده (۱۳۷۴)، دانکن (۱۹۸۸)، دانکلز (۱۹۹۱)، و فینمارک (۲۰۰۶) نیز هم‌سو با این یافته است. سومین مانع شخصیتی که از دید زنان اهمیت دارد، عدم ایستادگی و مقاومت در مواجهه با مشکلات است. در این مورد نیز شاید بتوان گفت تشخیص زنان درست بوده است، زیرا داشتن مقاومت باعث می‌شود که شخص از

ادامه کار مایوس نشود و در صورت شکست خوردن ناامید نگردد و به راهش ادامه دهد. مطالعه پیشگاهی فرد (۱۳۸۹) نیز این نتیجه را تأیید می‌کند.

از دید زنان، مهم‌ترین گویه فردی که مانع توسعه مشاغل خانگی می‌شود نداشتن تخصص، مهارت و تجربه است. داشتن تخصص و مهارت باعث می‌شود که احتمال خطای فرد کاهش یابد و به همان میزان نیز موفقیتش بیشتر شود. افرادی که تجربه موفقیت‌آمیزی در زمینه شغل خانگی داشتند احتمال رفتن‌شان به این سمت بیشتر بوده است. نتایج مطالعات صابر (۱۳۸۴)، یعقوبی (۱۳۸۹)، هاشمی (۱۳۸۸) سیدامیری (۱۳۸۷)، و هیسریش (۲۰۰۲) با این یافته هم‌سویی دارد. نداشتن برنامه‌ریزی در زندگی را زنان دومین مانع فردی می‌دانند. داشتن برنامه‌ریزی در زندگی باعث می‌شود که زنان بتوانند کارهای‌شان را طبق برنامه پیش ببرند، به تمام امور خانوادگی رسیدگی کنند و وقت آزادشان را صرف کسب‌وکارهای دلخواه‌شان کنند. نتایج مطالعات آلدیش (۱۹۸۹) نیز نشان می‌دهد که داشتن برنامه‌ریزی در زندگی زنان عامل مهمی در توسعه کسب‌وکارهای خانگی است. عامل فردی سوم که از دید زنان مانع مهمی به‌شمار می‌آید، تلاش نکردن خود زنان برای یادگیری و آموزش دیدن است. نداشتن آموزش و تلاش نکردن برای یادگیری بسیاری از اصول اولیه کسب‌وکار باعث شکست و توسعه نیافتن مشاغل خانگی می‌شود. رودگر نژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹) و ورزگر (۱۳۷۶) نیز این یافته را تأیید می‌کنند.

عامل بعدی که از دید زنان مهم تلقی می‌شود، عوامل اقتصادی است که گویه‌های مربوط به آن در ادامه شرح داده می‌شوند. زنان اعتقاد دارند که شغل خانگی تأثیر چندانی در بهبود وضعیت اقتصادی خانواده ندارد. شاید بتوان گفت یکی از دلایل این فکر، نوع کسب‌وکار زنان است که چون در سطح ابتدایی، ساده و اکثراً کوچک هستند و عمدتاً کسب‌وکارشان را توسعه نمی‌دهند و از این راه درآمد چندانی عایدشان نمی‌شود اعتقاد به این دیدگاه پیدا کرده‌اند. در این زمینه گلرد (۱۳۸۸)، شادی‌طلب (۱۳۷۵)، و ولتر (۲۰۰۶) دیدگاه متضادی دارند و معتقدند

که مشاغل خانگی باعث بهبود وضعیت اقتصادی خانواده می‌شود. دلیل این تضاد را می‌توان در نوع کسب‌وکار آنها دانست زیرا به‌نظر می‌رسد این افراد در مطالعات‌شان بیشتر مشاغل توسعه‌یافته‌ای را که افراد در آنها به موفقیت‌هایی دست یافته و حتی محصولات‌شان را صادر می‌کنند در نظر گرفته‌اند. اکثر زنان دارای شغل خانگی در این پژوهش، مشاغل ساده و کوچکی دارند که از این راه نیز درآمد چندانی به‌دست نمی‌آورند. دومین مانع اقتصادی از نظر زنان درآمد نامناسب خانواده است. پایین‌بودن وضع اقتصادی خانواده باعث می‌شود بسیاری از زنان نتوانند منابع لازم برای کسب‌وکار را تهیه کنند و در نتیجه توسعه این نوع کسب‌وکار نیز کمتر باشد. در این زمینه افرادی چون پیشگاهی‌فرد (۱۳۸۹)، رودگرنژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹) دیدگاه متفاوتی دارند و معتقدند که برای راه‌اندازی این نوع کسب‌وکارها سرمایه چندانی نیاز نیست و خانواده‌های فقیر نیز به‌راحتی می‌توانند به‌سمت این نوع مشاغل بروند. دلیل این تضاد را می‌توان در نوع نگاه آنها به کسب‌وکارها دانست. این افراد بیشتر مشاغل ساده‌ای را که به سرمایه چندانی نیاز ندارند در نظر می‌گیرند، اما زنان پاسخ‌دهنده در این پژوهش مشاغل دیگری را که سرمایه‌بر هستند در نظر گرفته‌اند و از دید آنان برای تهیه بسیاری از وسایل سرمایه‌زیادی نیاز است. نبود سرمایه نیز مانع مهمی در راه توسعه مشاغل خانگی است، که نشان از پایین‌بودن وضعیت اقتصادی خانوارها دارد. افرادی مانند برانش (۱۹۹۷) و فرای (۱۹۹۳) این نظر را تأیید می‌کنند.

از دیدگاه متخصصان، نخستین عاملی که مانع توسعه مشاغل خانگی می‌شود عامل خانوادگی است. گویه نبود تقسیم‌کار و همکاری اعضای خانواده نخستین عامل خانوادگی است که از دید کارشناسان مانع مهمی در راه توسعه مشاغل خانگی به‌شمار می‌آید. این نتیجه با نتایجی که خنام و نهار (۱۹۷۹) به آن رسیدند، هم‌سوست. دومین عامل خانوادگی که از نظر متخصصان اهمیت دارد، عدم تشویق و ترغیب اعضای خانواده است. پژوهشگرانی چون رودگرنژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹) نیز در این زمینه دیدگاه مشابهی دارند. وجود تعداد زیاد فرزندان در

خانواده که باعث می‌شود مسئولیت‌ها و وظایف زنان در خانه افزایش یابد، سومین مانع خانوادگی از دید متخصصان معرفی شده است. پژوهشگرانی چون ورزگر (۱۳۷۶) نیز با این دیدگاه موافق‌اند که هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد توسعه مشاغل خانگی زنان کمتر است. از دیدگاه کارشناسان دومین عاملی که مانع توسعه مشاغل خانگی می‌شود عامل فردی است، که گویه‌های مربوط به آن در ادامه شرح داده شده است. نداشتن تخصص، مهارت و تجربه که برای موفقیت و شروع کسب‌وکار خانگی اهمیت دارد، مانعی است که اشخاصی چون صابر (۱۳۸۴)، یعقوبی (۱۳۸۹)، هاشمی (۱۳۸۹)، امیری (۱۳۸۷)، و هیستریش (۲۰۰۲) نیز در مطالعات‌شان به آن رسیدند. متخصصان، نداشتن روابط عمومی بالا را عامل بعدی می‌دانند که مانع توسعه مشاغل خانگی می‌شود، که با دیدگاه صاحب‌نظرانی چون مارتین (۲۰۰۶) و برید (۱۹۹۵-۶) هم‌سوست. سومین عامل فردی که از نظر متخصصان اهمیت دارد، نداشتن اوقات بیکاری است. از نظر آنها اوقات فراغت و بیکاری باعث توسعه بیشتر مشاغل خانگی می‌شود، اما بسیاری از زنان روستایی اوقات فراغت زیادی ندارند. پژوهشگرانی چون آلدیش (۱۹۸۹) نیز چنین نظری ارائه کرده‌اند.

سومین عاملی که از نظر کارشناسان مانع توسعه مشاغل خانگی می‌شود، عامل شخصیتی است. گویه‌های مربوط به این عوامل که مهم‌ترند در ادامه شرح داده شده‌اند. نبود خلاقیت و نوآوری در زنان باعث می‌شود توانایی ایجاد نوآوری را نداشته باشند و از نوآوری‌ها استقبال نکنند و کارشناسان آن را نخستین مانع شخصیتی توسعه مشاغل خانگی می‌دانند. زمانی (۱۳۸۵) و هوپر (۱۹۸۰) معتقدند که سطح خلاقیت پایین زنان باعث عدم تمایل آنها به مشاغل خانگی می‌شود. کارشناسان دومین عامل شخصیتی را نداشتن خودباوری و اعتمادبه‌نفس در زنان می‌دانند، همان‌طور که در خصوص زنان نیز توضیح داده شد وجود اعتمادبه‌نفس و خودباوری می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد موفقیت در افراد و توسعه مشاغل خانگی باشد. افرادی چون دانکن (۱۹۸۸)، دانکلز (۱۹۹۱)، فینمارک (۲۰۰۶)، و پیشگاهی‌فرد (۱۳۸۹) نیز با این نظر

موافق‌اند که نداشتن اعتماد به نفس و خودباوری مانع توسعه مشاغل خانگی می‌شود. سومین عامل شخصیتی مهم از نظر متخصصان، نبود ایستادگی و مقاومت در مواجهه با مشکلات و مأیوس شدن و دست کشیدن از تلاش و کوشش است که خود زنان نیز آن را در توسعه نیافتگی شغل خانگی مهم می‌دانند و افرادی مانند زمانی (۱۳۸۵) نیز نظر موافقی در این زمینه دارند. نتایج فرضیات همبستگی نشان می‌دهند که رابطه مثبت و معناداری بین عوامل خانوادگی، فردی، اقتصادی، دولتی، شخصیتی و توسعه مشاغل خانگی با خطای ۰/۰۱ وجود دارد و در نتیجه با بهبود عوامل، توسعه مشاغل خانگی نیز افزایش می‌یابد. مطالعات گلرد (۱۳۸۹)، فرای (۱۹۹۳)، براس و هیسریش (۱۹۹۷)، احمدی و همکاران (۱۳۸۹)، پیشگاهی فرد (۱۳۸۹)، رودگر نژاد و کیا کجوری (۱۳۸۹) نیز این نظر را تأیید می‌کنند.

نتایج آزمون کروسکال والیس اختلاف معناداری را بین سطوح مختلف تحصیلات زنان و توسعه مشاغل خانگی نشان می‌دهند، به این معنا که هرچه سطح سواد بیشتر می‌شود تمایل به مشاغل خانگی نیز افزایش می‌یابد. اما این رابطه در مورد افراد با تحصیلات دیپلم و بالاتر صدق نمی‌کند و این افراد تمایل چندانی به مشاغل خانگی ندارند، زیرا معتقدند که داشتن مشاغل خانگی در جامعه جایگاه بالایی ندارد. در این زمینه ورزگر (۱۳۷۶) دیدگاه متفاوتی دارد و معتقدست که رابطه معکوسی بین سطح تحصیلات و توسعه مشاغل خانگی وجود دارد، بدین معنا که هرچه سطح تحصیلات بالاتر رود توسعه مشاغل خانگی کمتر است. مطالعه وی روی زنان شهری صورت گرفته است و در آنجا زنان و دختران با بالارفتن سطح تحصیلاتشان بیشتر تمایل دارند که در سازمان‌های دولتی استخدام شوند و کمتر به سمت مشاغل خانگی می‌روند. دلیل وجود رابطه معکوس بین سطح تحصیلات و توسعه مشاغل خانگی را می‌توان این مورد برشمرد.

نتایج فرضیات مقایسه‌ای بین عضویت در تشکلهای مختلف و توسعه مشاغل خانگی تفاوت معناداری را تأیید می‌کند، که با احتمال ۰/۰۱ خطا تأیید شده است. افرادی که عضو تعاونی و

شورا بودند فعالیت‌شان در زمینه مشاغل خانگی نیز بیشتر بوده است. این نظر با نتایج مطالعات پیشگاهی‌فرد (۱۳۸۹)، هیسریش (۲۰۰۲)، و آلدیش (۱۹۸۹) که معتقدند رابطه مثبتی بین عضویت در تشکل‌ها و توسعه مشاغل خانگی وجود دارد، هم‌سوست.

منابع

- ادواری، بیژن، ۱۳۸۹، اهمیت و جایگاه ویژه اقتصادی و فرهنگی صنایع دستی کشور و نقش تشکل‌های تعاونی در توسعه این صنعت.
- برادران نصیری، مستوره، ۱۳۸۸، توجه به مشاغل خانگی زنان جدی می‌شود، قابل دسترس در سایت اینترنتی: www.jamejamonline.ir/newstext.aspx.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا، ام‌البینی، پولاب، ۱۳۸۹، آینده پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صص. ۸۹-۱۰۶.
- چمبرز، رابرت، ۱۳۷۶، توسعه روستایی: اولویت بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران، صص. ۳۵-۴۰.
- رودگرزاد، فروغ، کریم، کیاکجوری، ۱۳۸۹، چالش‌ها و موانع توسعه کسب‌وکارهای خانگی، اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی چالش‌ها- راهکارها، تهران، صص. ۱۴۳-۱۳۵.
- سپهری، محمدرضا، ۱۳۸۸، الزامات مشاغل خانگی یا مشاغل خانگی راهکار توسعه اشتغال در کشور، گردآوری: گروه اخبار و اطلاع‌رسانی سایت تبیان زنجان، قابل دسترس در: www.aftab.ir.
- سفیری، خدیجه، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی اشتغال زنان، انتشارات تهران، صص. ۲۲-۴۵.
- سیدامیری، نادر، ۱۳۸۷، بررسی و تعیین عوامل مؤثر در رشد و توسعه کسب‌وکارهای خانوادگی در استان تهران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- شادی‌طلب، ژاله، ۱۳۷۵، زنان کشاورز ایرانی در برنامه‌های توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۳، بهار، صص. ۳۰-۳۱.

صابر، فیروزه، ۱۳۸۴، راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران، راهکارهای تواناسازی زنان در راستای برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تهران، روشنگران و مطالعات زنان، تهران.

گلرد، پروانه، ۱۳۸۸، خانواده و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان ایرانی، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۲۱، تابستان، صص. ۱۴۹-۱۳۱.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، قابل دسترس در www.amar.ir

موالی‌زاده، محمدرضا، ۱۳۸۹، طرح ساماندهی حمایت از مشاغل خانگی بستر توسعه اشتغال، اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی، چالش‌ها-راهکارها، تهران، ص. ۱۷۰.

نجاهی، اکبر، ابوالحسن، قاسم‌پور، ۱۳۸۹، مروری بر مدل‌های رایج کسب‌وکارهای خانگی و ارائه مدل مناسب برای ایران، اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی، چالش‌ها-راهکارها، تهران.

هاشمی، فرزاد، ۱۳۸۸، بررسی روند اشتغال‌زایی صنایع کوچک در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۱، بهار.

ورزگر، شراره، مستانه، عزیزبایی، ۱۳۷۶، بررسی میزان مشارکت نیروی کار زنان روستایی در تولید پنبه و عوامل مؤثر بر آن، مجموعه مقالات گردهمایی زنان، مشارکت، کشاورزی، ۱۴۰۰، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.

Brown, M.M., 1994, **Human Development Report**, Published for the United Nations development program (undp).

Donckels, R., 1991, **Education and Entrepreneurship from Secondary and University Education in Belgium**, Journal of small business and Enterprise, 9(11), PP. 35-44.

Duncan, W., 1988, **Intrapreneurship and Reinvention of the Corporation**, **Business Horizons**, May & June, PP. 16-21.

Fry, F., 1993, **Entrepreneurship: A planning Approach**, Engle wood cliffs: prentice- Hall.

Finmark, Trust, 2006, **Home basead Entrepreneurs**, from: www.fin-mark.org.za.

Martin, D.M., 2006, **The Entrepreneurial Marketing Mix**, International journal, 12(4), PP. 391-403.

Hisrich, R.D., 2002, **Entrepreneurship**, New York; Mcgraw Hill.

Khnam, S.R. & Nahar S., 1979, **Class Patriarchy and Women Working Bangladesh**, Journal of small business management, 47.

Khandker R.S., 1988, **Determinants of Women Time Allocation in Rural Bangladesh**, Economic Development and cultural change, 5, PP. 240-265.

Tipple, G., 2006, **Employment and Work Conditions in Home based Enterprises in Four Developing Countries**, *Work, Employment and Society*, Volume 20(1), PP. 165-185.

Welter, P., 2006, **Introduction to the Special Issue toward Building Women Entrepreneurship**, *Entrepreneurship: Theory & practice*, Paris, OECD